

مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن

(نمونه موردی: مسکن دوره قاجاری تبریز)



مسعود ناری قمی*

دانشجوی دکتری معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

محمد جواد عباس زاده (نویسنده مسئول)**

کارشناس ارشد، معماری داخلی، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۰۴/۲۱

چکیده:

بسیاری، سرآغاز مدرنیته در جامعه ایرانی را از دوران اجباری پهلوی اول عقب‌تر می‌برند و نوعی خودجوش اجتماعی (اما آرام) به سمت مدرنیته را در جامعه ایران دوره قاجار، مورد بحث قرار می‌دهند. این سؤال قابل طرح است که کدام‌یک از دو الگوی فرهنگی سنت و مدرنیته، در آثار قاجاری، وجه غالب داشته است و اینکه آیا می‌توان در فضای زیست واقعی مردم قاجاری، ردپاهای محکمی از الگوی کالبدی- فرهنگی مدرنیته یافت؟ در این نوشتار، موضوع مزبور از زاویه یک موضوع خاص اجتماعی- کالبدی، یعنی فضای مهمان در خانه، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این نوشتار، با این پرسش‌ها و با ورود به مصادیق مسکونی ابتدای مدرنیته به ایران (قاجار- اوایل پهلوی) با تأکید بر شهر تبریز، به بررسی اثر این فرهنگ‌ها در شکل‌گیری و تحول الگوی پذیرش فضایی مهمان در این خانه‌ها می‌پردازد. بررسی فرضیه شکل‌گیری فضای مهمان براساس دیالکتیک «خود» و «دیگری» که پایه تحلیل مفاهیم مسکن در عصر مدرنیته غرب است، محور این بحث را تشکیل می‌دهد.

بحث حاضر، براساس تحلیل فرهنگی کالبدی سه نوع مسکن متمایز (مسکن حداکثری، مسکن حداقلی و مسکن اشتراکی) ارائه می‌شود که هر کدام، در پیدایش الگوی مدرن غرب مباحث نظری مشخصی را به طور متمایز به خود اختصاص داده و از میان خانه‌های قاجار در تبریز نیز برای هر دسته، دو نمونه مطالعاتی بر اساس ویژگی‌های فضای مهمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش تحقیق، تفسیری- تاریخی و متکی بر تحلیل متون و شواهد تصویری است. بررسی فوق نشان می‌دهد که الگوهای حقیقی مدرنیته در مورد خاص حضور مهمان، فاصله زیادی با آنچه در ایران قاجاری واقع شده دارد و تداوم بلا تغییر سنت در اکثر موارد وجه غالب پدیده‌ها است. رویکرد ایده‌آلی اجتماعی مدرن تحت عنوان «غیریت زدایی» (حذف تفاوت خود و دیگری در عرصه اجتماعی بخصوص الگوی فضایی پذیرش غریبه در خانه) به شرط وجود زمینه ای قوی از تقابل (دوگانة خود- دیگری) در جامعه معنی دار می‌شود اما در الگوی سکونت قاجاری، با وجود پذیرش «خودی» مهمان در خانه، چنین زمینه ای متصور نیست. در واقع اکنون می‌توان این نظریه را که بدون حضور رضاخان، ایران بازم با تحولات درونی خود به سمت مدرنیته سوق می‌یافت، با تردید بیشتری نگرست؛ می‌توان تصور کرد که بدون تأثیر حکومت پهلوی اول، استحاله درونزای فرهنگی به معنی تغییر ماهیت سنتی و اسلامی، فرضیه چندان مستحکمی برای تاریخ ایران نیست.

واژه‌های کلیدی: الگوهای فضایی مهمان، مسکن قاجاری، آستانه مدرن، سنت ایرانی

مقدمه:

سوی طیف «درون» و «بیرون»، مشخص خواهد شد. این نحو تحقیق جایگاه کالبدی مهمان در برخی فرهنگ‌ها - مشخصاً غربی - تا حد زیادی تبیین‌گر وضع واقعی است و پیت‌ریورز^۱ (انسان‌شناس فرهنگی) این جنبه تقابل را امر پنهان مندرج در هنجار «مهمان‌پذیری» در تاریخ فرهنگ غرب دانسته (امری که با استناد به ریشه لغوی واحد میان host (میزبان) و hostility (تجاوز) نیز مورد تأکید دیگران قرار گرفته است - وایت ۲۰۰۶، ۲۶) و در این نوشتار از منظر خود ایشان به آن پرداخته خواهد شد، اما تنها روایت ممکن برای نسبت مهمان با خانه در دیگر فرهنگ‌ها نیست و حتی روایت صحیحی نیست.

در ادیان توحیدی بویژه در فرهنگ اسلامی (به عنوان صورت ایده‌آلی و آن چیزی که بطور خالص از سنت اسلامی و منابع آن قابل اخذ است) و فرهنگ قومیتی در ایران (به عنوان صورت واقع و آنچه که از برآیند رفتارهای زماندار و تاریخی اقوام این سرزمین یا ساکنان شهری آن برمی‌آید)، نیاز به تبیین متفاوتی برای توضیح نسبت‌ها وجود دارد که می‌توان آن را ذیل عنوان «نقش فرهنگ به عنوان عامل سوم» مطرح کرد.

این نوشتار، با این پرسش‌ها و با ورود به مصادیق مسکونی ابتدای مدرنیته به ایران (قاجار - اوایل پهلوی) با تأکید بر شهر تبریز، به بررسی اثر این فرهنگ‌ها در شکل‌گیری و تحول الگوی پذیرش فضایی مهمان در این خانه‌ها می‌پردازد. بحث حاضر، براساس تحلیل فرهنگی کالبدی سه نوع مسکن متمایز (مسکن حداکثری، مسکن حداقلی و مسکن اشتراکی) ارائه می‌شود و از میان خانه‌های قاجار در تبریز نیز برای هر دسته، دو نمونه مطالعاتی بر اساس ویژگی‌های فضای مهمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش پژوهش:

بستر تاریخی انتخابی برای این پژوهش و نیز سؤالات اصلی آن که در حوزه موضوعات فرهنگی اجتماعی است، الزاماً روش تحقیق را در حوزه تفسیری تاریخی قرار می‌دهد که در آن از تدابیر تحقیقی مختلف - از مرور منابع تاریخی تا رجوع به عکس‌ها و نقشه‌ها و استنباط منطقی از آنها برای تولید شواهد زمینه‌ای و تعیین‌گر - استفاده شده است. عدم وجود متون تعیین‌گر در مورد پس‌زمینه‌های اجتماعی طرح خانه‌های قاجاری، استدلال منطقی را به عنوان راهبردی که از آن‌گزیری نیست، مطرح ساخته است؛ اما در مورد نمونه‌های غربی مربوط به مدرنیته، بجز چارچوب بحث که با مدلسازی نگارندگان اتخاذ شده، تفسیر

در مورد سرآغاز مدرنیته در ایران، میان صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد؛ در حالی که مدرنیزاسیون (اجباری) دوره پهلوی اول مورد توافق همگان است، در اینکه این امر اولین بروز مدرنیته در ایران باشد و نیز اینکه این واقعه، تنها علت همه‌گیر شدن مدرنیته در ایران باشد، اختلاف وجود دارد. برخی تئوری حرکت آرام اجتماعی به سوی مدرنیته را در دوران قاجار مورد تأکید قرار داده‌اند (حبیبی ۱۳۷۳، ۱۳۹۱، ۱۳۸ و صارمی ۱۳۷۴، ۵۸-۶۰). موضوع مورد بحث در این موارد، غالباً منحصر است به رویکردهای اقلیت روشنفکر و هنرمندان معدودی که ضمن آشنایی با فرهنگ به ترویج این موضوعات در محافل خصوصی یا روزنامه‌ها می‌پرداختند (نوربخش ۱۳۸۶، ۵۳-۶۰) یا تعداد انگشت‌شماری که تنوع‌طلبی یا دلزدگی از رفاه بیش از حد، آنان را به تجربیات زندگی خارج از عرف کشانده است (فصیحی ۱۳۸۹، ۱۱۵-۱۳۸)؛

این در حالی است که گزارش‌های زندگی روزمره، نه تنها در مورد مردم عادی، بلکه در مورد متمولین یا آشنایان با فرهنگ نیز حاوی منطری از یک زندگی کاملاً سنتی در این دوران است (مهدوی ۱۳۷۶، ۱۳۸۹، ۵-۲۷ و ۶۰۷)؛ لذا این سؤال قابل طرح است که کدامیک از دو الگوی سنت و مدرنیته، در آثار قاجاری، وجه غالب داشته است و اینکه آیا می‌توان در فضای زیست واقعی مردم قاجاری، ردپاهای محکمی از الگوی کالبدی - فرهنگی مدرنیته یافت؟ شهر تبریز از یکسو به عنوان مهم‌ترین مرکز بازرگانی مرتبط با عالم غرب در ایران در میانه دوره قاجار (مهدوی ۱۳۷۶، ۵۹۴) و از سوی دیگر به عنوان یکی از نخستین مراکزی که مدرنیزاسیون سیستم اداری از سوی عباس میرزا در آنجا آغاز شد (قنبری ۱۳۷۹، ۱۳۷)، بستری است که همزمان هم از درون خود جامعه و هم از جانب حکومت، زمینه‌های ورود مدرنیته برای آن فراهم بوده است و لذا برای بررسی پرسش فوق، جایگاه مناسبی به شمار می‌رود. در این نوشتار، موضوع مزبور از زاویه یک موضوع خاص اجتماعی - کالبدی، یعنی فضای مهمان در خانه، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش:

در بدو امر چنین بنظر می‌رسد که تمام دیالکتیک اجتماعی خانه در میانه دو مفهوم «خود» و «غیرخود» شکل گرفته است که از طریق مفاهیم دوگانه درون و بیرون با کالبد پیوند می‌یابد. با این تعبیر موضع مهمان نسبت به کالبد با تعیین نسبت دیالکتیکی «فرد» با حد نهایی «خود» و «غیرخود» و به تبع آن با تعیین نسبت کالبدی این جایگاه با دو

گفته می‌شود که حقوق دیگر از این وجه اخیر، منشعب می‌شود؛ نکته مهم این است که در این تبیین کلی-بظاهر-نشانی از دیگر انسان‌ها-انسان‌های هم‌تراز در سطح جامعه، مردم کوچک و خیابان، حتی همسایه-دیده‌نمی‌شود؛ حال آنکه در ادامه رساله حقوق، آن حضرت (علیه السلام) حقوق متعددی را برای این دسته‌ها در زمره طبقه‌بندی پنجاه‌گانه ذکر می‌کند. این موضوع اخیر، امری است که بنظر می‌رسد، نکته اساسی در تعیین ماهیت مورد نظر از مخاطب ایده‌آل ما باشد: جایگاه تکلیفی شهروندان، شعبه‌ای خاص و بخشی از حقوق خویشاوندی (رحم) است؛ نه اینکه این رابطه، بار حقوقی (به معنای رایج) داشته باشد، بلکه بلحاظ گونه اجتماعی و روانشناختی ارتباط، از نوع آن است و نه گونه‌ای متمایز و این تفاوت اساسی است که میان مخاطب اجتماعی محیط کالبدی در دید اسلامی با رویکردهای پیش‌گفته وجود دارد؛ به این صورت، از منظر حضور فضایی، در اسلام (جدول ۱) در ضمن توصیه به پذیرش مهمان و اختصاص اتاقی به او و نیز تأمین محل خواب وی، به حفظ حریم خانواده در مقابل افراد غریبه، مؤکداً توصیه شده است. تفکیک بیرونی و اندرونی و ایجاد موانع کالبدی بارز بین این دو حوزه، می‌تواند پاسخی به این نیازهای نسبتاً متناقض باشد. زکات دانستن اتاق مهمان برای خانه، نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است مدّت طولانی از سال، این اتاق مورد استفاده نباشد، اما اسلام آن را از مصادیق اسراف، ندانسته و بعکس آن را مستوجب پاداش معنوی می‌داند. با اینحال تلاش برای تظاهر و تفاخر در مقابل مهمان با استفاده از تجملات، بر حسب مواضع دیگر روایی، کاملاً مردود و مطرود است. حضور مهمان در خانه، دستکم در شکل اصیل فرهنگی خود در شرق اسلامی، نبایستی به منزله نمایش در مقابل غریبه، مطرح شود و بویژه زنان باید از چشم مهمان نامحرم دور نگاهداشته شوند و این به معنی غیر رسمی بودن پشت صحنه در مقابل جلوی صحنه نیست، بلکه حتی به معنی رسمی‌تر بودن آن است.

موضوعات فرهنگی-اجتماعی، از منابع غربی اخذ و در نظامی نوین سازماندهی شده است.

حضور اجتماعی- کالبدی مهمان در خانه درست اسلامی:

آنچه از احادیث (جدول ۱) و نهی صریح قرآن مبنی بر عدم جواز راندن سائل (قرآن ۹۳/۱۰)، بوضوح برداشت می‌شود، آن است که «حریم شخصی» مؤمن، به معنی حوزه تدافعی وی در مقابل جامعه نیست و بعکس، دستوره‌های دینی، گاه مؤمن را ملزم به پذیرش دیگران در این حوزه و حتی شریک کردن آنان در اموال خود می‌کند: می‌توان موضوع را با دیدگاه «آئمن»- به عنوان نمونه‌ای از فرهنگ غربی- مقایسه کرد که مهمان ناخوانده را تجاوزی جدی به حوزه خلوت می‌داند (آئمن ۱۳۸۲، ۱۵۰). در واقع در قیاس با دو موضوع مطرح در مبحث مدرنیته یعنی موضوع فردگرایی بورژوازی و استفاده ایزاری او از «غریبه» برای نمایش خود و جمع‌گرایی اتویستی که در آن تمام تمایزات ارتباطات اجتماعی و مفاهیم «غریبه» و «خودی» تا حدّ نفی، تضعیف می‌شود، اسلام با به رسمیت شناختن و تقویت مفهوم ارتباط خانوادگی، تمام انسجام اجتماعی در ورای خانواده را تداومی منطقی از همان، معرفی و ترویج می‌کند و به این ترتیب، «غریبه» در موضعی نزدیک به خویشاوندی تصور می‌شود که پذیرایی او به عنوان هدف تکلیفی، همان معنای پذیرایی از خانواده را دارد که ذاتاً ملال‌آور و ناخشنود کننده نیست و لذا می‌تواند نقش اساسی در همپیوندی اجتماعی ایفا کند: مراتب تکلیف اجتماعی را امام سجّاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود، اینچنین وصف می‌کند: «ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْأَوْجِبَةِ عَلَيْكَ وَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقُ أَيْمَتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ فَهَذِهِ حُقُوقُ يَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ ۲»؛ در این عبارت دو منشأ اساسی برای تکالیف اجتماعی، دیده می‌شود: نخست: تولی امر انسانی از سوی انسان دیگر و دیگری، خویشاوندی؛ و

جدول ۱. احادیث

حسن بن عطیه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: اخلاق نیکو ده تاست که اگر توانستی آن‌ها را در خود داشته باشی چنین کن، چون ممکن است آن‌ها در یک شخص باشد ولی در پسرش نباشد و یا در پسر باشد ولی در پدرش نباشد و یا در برده باشد ولی در آزاد نباشد: راستی در هنگام ناراحتی و راستی زبان و ادای امانت و صلح ارحام و پذیرایی از مهمان و غذا دادن به سائل و پاداش احسان و حمایت از همسایه و حمایت از دوست و بالاتر از همه آن‌ها حیا (ابن بابویه، ج ۲، ۱۴۹)

عباد بن صهیب می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: همانا مهمان خدا کسی است که حج و عمره به جای آورده است، او تا وقتی که به منزلش برگردد مهمان خداست، و کسی که در حال نماز است، تا وقتی که نمازش تمام شود در حمایت خداست، و کسی که برادر دینی خود را برای خدا زیارت کند، او زائر خدا در رسیدن هر چه زودتر به ثواب او و استفاده از گنجینه‌های رحمت او می‌باشد (ابن بابویه، ج ۱، ۱۹۷)

[حضرت رسول صلی الله علیه و اله] آنکه مهمان نپذیرد خیری در او نیست (پاینده، ۱۳۸۲، ۶۷۶)

[حضرت رسول صلی الله علیه و اله] هر چیزی را زکاتی هست و زکات خانه اطاق مهمانخانه است (پابنده، ۱۳۸۲، ۶۳۲)

جابر بن عبد الله می‌گوید: نزد پیامبر خدا (ص) از رختخواب سخن شد، فرمود: رختخوابی برای مرد و رختخوابی برای زن و رختخوابی برای مهمان، چهارمی برای شیطان است (ابن بابویه، ج ۱، ۱۸۷).

امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است: ... هنگامی که کسی به خانه برادر مسلمانش وارد می‌شود تا زمانی که از آنجا خارج شود صاحب خانه بر او فرمانرواست (شیخ حرعاملی، ۱۳۸۰، ۸۴)

بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری از وصیت حضرت علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) (نهیج البلاغه، شریف الرضی، ۵۳۷).

مهمان در خانه سنتی و مدرن در آستانه مدرنیته

مقایسه سه گونه خانه فرهنگ قاجاری با همتای غربی: معماری قاجاریه به عنوان آستانه ورود مدرنیته به ایران، در مباحث تحلیلی به عنوان یک معماری التقاطی با الگوهای فرنگی و (نسبت به دوره‌های گذشته) انحطاط یافته، مطرح شده است (کیانی ۱۳۸۶، ۴۲-۴۴ و جبل عاملی ۱۳۷۵، ۹۹). در میان آثار دوره قاجار، مسکن بجامانده از آن دوران، کمتر از دیگر آثار مورد طعن و نقد بوده است و خانه‌های قاجاری کاشان، یزد و... به عنوان نمونه‌های خوب معماری مورد اشاره واقع شده است (پیرنیا ۱۳۸۴، ۱۶۷)؛ میراث قاجاری تبریز در این میان، موضوعی است که بالنسبه کمتر در محافل دانشگاهی ایران مورد بحث بوده است؛ لذا در این نوشتار، خانه‌های قاجاری تبریز، به عنوان نمونه موردی، در بوته نقد و بررسی قرار می‌گیرند. مطالعاتی پیرامون ساختار کلی فضای مهمان در خانه‌های قاجاری (اعم از متقدم یا متأخر)، نشان می‌دهد که طراحی و شکل‌گیری این فضا، چارچوبی کاملاً متکی به سنت نداشته و معماری آن در دوره‌های مختلف ساخت، رشد و نمو، دچار تغییراتی بنیادین شده است که در نهایت منجر به خطر افتادن سنت معماری بومی ایرانی شده است؛ علت اصلی این تغییرات و دگرگونی‌ها نیز چیزی جز نفوذ و رخنه روزافزون عناصر فرهنگ بیگانه در زندگی ایرانی‌ها نیست (کاتب ۱۳۸۴، ۱۹۴). این تحلیل‌ها کمتر در نسبت با زندگی عادی و مسکونی مردم مطرح می‌شود و بیشتر جنبه شکلی و مسائل درون‌نهادی معماری به خود می‌گیرد؛ اما نسبت مدرنیته به عنوان امر روزمره با این تحولات در موضوع مهمان، محور مغفول - مانده‌تری است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

برای داشتن یک بررسی تطبیقی میان مدرنیسم و فرهنگ خانه در عصر مدرنیته با دوران سنت، نیاز به داشتن محور مشترکی است که دو حوزه را قیاس‌پذیر سازد. به فراخور بحث حاضر که در حوزه معماری قرار دارد، این محور را می‌توان براساس گونه‌های تطبیق‌پذیر کالبدی خانه

در حوزه بحث برگزید. سه گونه اصلی فرهنگ زندگی خانگی در دوران مدرن نضج گرفت که معادل کالبدی مستقیم آن‌ها نیز از هم متمایز است: فرهنگ مسکن حداکثری (خانه بورژوازی)، فرهنگ مسکن حداقل (منطبق با اقتضانات سبکی مدرنیسم) و فرهنگ مسکن اشتراکی (منطبق با ایده‌ال‌های اتوییایی مدرنیته). در واقع گونه اول به عنوان آتی‌ت‌ز فرهنگ خانگی مدرنیته در حالی مطرح و نقد شد که تر مشترک مدرنیته در مسکن حداقل (گونه دوم) در میان معماران تبلور یافت که سنتز این دو می‌بایست به مسکن اشتراکی می‌رسید و در برخی موارد عیناً محقق شد. با توجه به اینکه معادل این سه را می‌توان در گونه‌های کالبدی-فرهنگی مسکن سنتی نیز یافت، می‌توان آن را به عنوان مبنایی برای بحث پیش رو در مورد نحوه مواجهه با موضوع «مهمان» در خانه و در دو حوزه تاریخی مورد بحث، اتخاذ نمود. در میان نمونه‌های مسکن متناسب به سنت، فرهنگ مسکن اشتراکی هم در مسکن عشایری ایران (و نیز در اقصا نقاط عالم) و هم در مسکن چندخانوار شهری قابل مشاهده است. در مورد مسکن حداکثری، نمونه‌های اعیانی (آنچه که پیرنیا با پیمون بزرگ منطبق می‌داند) و در مورد مسکن حداقل، نمونه‌های خرده پیمون و مسکن یک - دو خانوار کوچک می‌تواند مبنای بحث باشد که به این ترتیب سه‌گانه معادل گونه‌های مدرنیته، تکمیل خواهد شد.

۱. مسکن حداکثری:

مهمان در مسکن حداکثری ابتدای مدرنیته در غرب: عموماً بیان شده است که پیدایش تقسیم‌های واقعی فضا در مسکن اروپا ناشی از عادات ثروتمندان و بویژه شهرنشین‌های تازه بدوران رسیده در قرون ۱۵ به بعد (بورژواها) بوده است که در پی هویت‌یابی خود و سپس معرفی آن به جامعه بوده‌اند. مامفورد (۱۳۸۵، ۷۳) معتقد است، درهم‌آمیختگی عملکردها از ویژگی‌های خانه قرون وسطی است (و البته دیگران نیز



۱۵ و ۱۶ میلادی در قبال فضاهای اشتراکی قرون وسطی می‌داند (McKeon 2005, 221).

جدایی «فضای زندگی» از «فضای مهمانی و نمایش اجتماعی» چیزی است که در بیان فیلسوف مشهور آن دوران - فرانسیس بیکن، به عنوان ضرورت داشتن یک «قصر» واقعی، به منصفه ظهور می‌رسد (ibid, ۲۲۰). رابرت کر (معمار ویکتوریایی) در نوشتار مشهور خود در مورد خانه جنتلمن انگلیسی (۱۸۶۴)، آسایش مهمان را در کنار نمایش اعتبار و ذوق و سلیقه در عین عدم تظاهر و خودنمایی صاحب خانه، به عنوان اهداف اصلی طراحی مسکن برمی‌شمرد و پاسخ خود وی به این نیازها در اتاق‌های گوناگونی برای انواع خاصی از مهمان یا مهمانی به ظهور می‌رسد؛ به عنوان مثال: Drawing-room برای حضور مهمان‌های زن پیش از شام و کارکرد مشابه در روز در مورد morning-room، Boudoir برای برخی امور شخصی‌تر خانم خانه، از جمله مهمان‌های خودمانی‌تر (Kerr 2007, 158-160).

آن را قبول دارند - نگاه کنید به مدنی پور (۱۳۸۷، ۱۰۰)؛ وی حتی جدایی این دو فضا از هم را الگویی می‌داند که از صومعه‌ها به خانه‌های مسکونی ثروتمندان آورده شد.

در ضمن پیدایش فرهنگ بورژوازی در اروپا توسعه فضاهای گوناگون مسکن به صورت تخصیص یافته با دو مقصد مشخص دیده می‌شود: افزایش حریمیت (به معنی تثبیت نقش‌های اجتماعی و عدم ظهور فرد در موقعیت نامناسب در مقابل دیگران) و تنظیم جلوه‌گری مورد درخواست این طبقه (برای تثبیت هویت اجتماعی خود). در بررسی مفصل مک‌کئون از دورانی که وی از آن به دوران جداسازی‌ها در مسکن تعبیر کرده است، تعداد زیادی فضا در خانه‌های ثروتمندان اروپا به ظهور می‌رسد که صرفاً به حضور «غریبه»‌ها در خانه اختصاص دارد و نحوه ورود به آن‌ها نیز کمابیش مستقل از اجزای دیگر خانه طراحی می‌شود. او اصولاً پذیرایی از مهمان در فضاهای اختصاصی شده را دنباله‌ای از خصوصی‌سازی‌های ناشی از بورژوازی روبه رشد در قرون



تصویر ۱. نمونه مسکن بورژوازی: خانه بیبرود، طراحی رابرت کر (۱۸۶۵-۷۴)، پرکشایر، انگلستان - تمام نیمه سمت راست پلان حاوی اتاق‌های تخصصی کاربردی برای پذیرایی مهمان‌ها در جنسیت‌ها و حالات مختلف است که در طبقه دوم که پلان آن نیامده نیز امتداد دارد (فضاهای غذایی، پذیرایی مردانه، پذیرایی زنانه، فضاهای انتظار برای ورود، کتابخانه با کارکرد پذیرایی، گالری نمایش عکس‌ها و ... - مأخذ: (Millerlane 2007, 193).

مدرنیست (مشخصاً آدولف لوس و نیز پیر شاره^۳ و لوکوربوزیه) در ابتدای قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت (Troutman 2005, 304-312). بررسی اولسن (2007, 117-118) در مورد کیفیت سکونت در جامعه بورژوازی وین و بویژه خرده‌بورژواها حاکی از آن است که نمایش اجتماعی بیش از هر امر دیگر در قضاوت این طیف در مورد کیفیت مسکن سایه انداخته بوده است. به بیان وی این قشر اگر مسکنی می‌داشتند که نمای آن باعث

تعبیر نویسندگان غربی از فضای اخیر در خانه اعیان و پیدایش و تحولات آن در دوران روشنگری، حاکی از نوعی کارکرد در رابطه با حضور غریبه در خانه است که بیش از آنکه فرهنگی و هنجاری و مرتبط با نمایش اجتماعی خانواده در جامعه باشد، نوعی هنجارشکنی از نوع نگرش مدرن را نسبت به روابط خانوادگی و امکان حضور مرد غریبه در میانه فضای مسکونی آن، مطرح می‌کند که به همین دلیل نیز از سوی معماران



مشابه نگرش سنتی به زندگی جمعی دانسته‌اند و نه فردگرایی بورژوازی مورد نقد مدرنیست‌ها. (Blackmar 2007, 110-111)

در فرهنگ معاصر غربی نیز برغم نقادی مدرنیست‌ها، این کارکرد فضایی - اجتماعی حضور مهمان در خانه، همچنان تداوم یافته است. در جامعه‌شناسی گافمن از فرهنگ انگلوساکسونی، حضور مهمان در خانه به معنی یک صحنه نمایش است که تماشای آن مهمان و بازیگران آن همزمان مهمان و اهل خانه هستند؛ لذا حضور سرزده مهمان به معنی عدم آمادگی صحنه برای نمایش است که موجب اضطراب می‌شود (Goffman 1959, p.7). همانند حضور یک تماشایی در پشت صحنه نمایش).

به همین ترتیب «بچه»‌ها به عنوان کسانی که قواعد بازی را بلد نیستند، معمولاً از این صحنه دور نگهداشته می‌شوند. (ibid, 56) به تعبیر وی عدم وجود تمهیدات کافی در خانه اقشار متوسط برای اقامت بیش از چند ساعته مهمان در خانه (از جمله عدم وجود اتاق خصوصی برای ماندن مهمان) از عدم وجود موضوعات نمایشی کافی در این خانوارها برای مشغول کردن طولانی مدت مهمان، ناشی می‌شود؛ لذا تنها افراد ثروتمند که احساس می‌کنند به حد کافی علایم نمایشی دارند، تسهیلات اقامت مهمان‌هایی را در تعطیلات آخر هفته در خانه خود فراهم می‌کنند (ibid, 142).

مهمان در مسکن حداکثری قاجاری: تفکیک مهمان غریبه و بویژه مرد غریبه از اهل خانه، در حوزه‌های مختلف عالم اسلام، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد: مزیف، بیرونی، سلامتیق و... نام‌هایی است که به فضای تفکیک شده برای مهمان در نقاط مختلف اطلاق می‌شود؛ اما اینکه این تفکیک، از منظر مفهوم فرهنگی - اجتماعی، همان چیزی باشد که در مورد مسکن بورژوا در بالا ذکر شد، جای تأمل دارد. در مورد حضور مهمان در این مسکن که همان مسکن اعیانی و مسکن افراد متمکن آن دوران است، مکتوبات قابل توجهی وجود دارد که قضاوت در مورد آن را تا حدی آسان‌تر می‌کند.

در نظر اول ممکن است برخی توصیفات در نمونه غربی و ایرانی مشابه باشد: نخست، وجود فضایی است با هویت و نام خاص برای مهمان که در قیاس با فضاهای چند منظوره رایج در معماری ایرانی، ممکن است بتوان آن را پدیده متفاوتی دانست: نام‌های متعددی برای این فضا در منابع مختلف ذکر شده است. در اکثر کتب، با عنوان «طنبی» از این فضا یاد می‌شود، همچنین، واژه‌هایی نظیر: «تالار» یا «عمارت بادگیر» نیز برای اشاره به این فضا مورد استفاده قرار گرفته است.

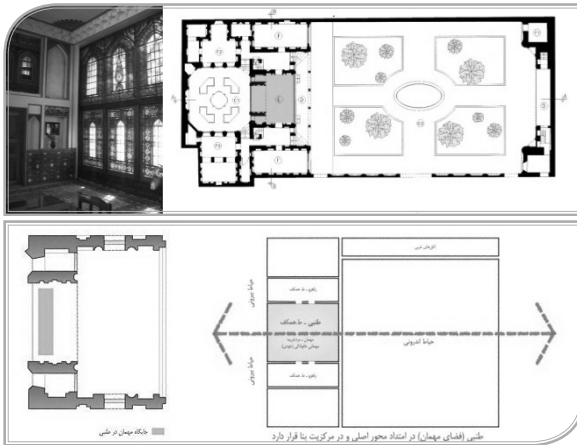
«افتخار» آنان باشد، حاضر بودند تمام ضعف‌های دیگر مانند نور کم و تهویه نامناسب و یا ارتباطات فضایی نامطلوب را تحمل کنند و در این زمینه گوی سبقت را از پارسی‌های هم‌دوره خود ربوده بودند.

وی به گزارشی از تیسوت^۴ (فرانسوی) اشاره دارد که در ضمن آن، بیان می‌کند که این نگرش نمایشی، کاملاً بر آرایش درون خانه نیز غلبه داشت، به نحوی که در یک خانوار، مادر، دو پسر و سه دختر همه در یک اتاق در تخت‌هایی تنگ هم می‌خوابیدند و همه این شرایط را به این خاطر برخورد تحمیل کرده بودند که بتوانند یک اتاق مخصوص را برای سالن پذیرایی تخصیص دهند که بتواند با انواع کتاب‌ها و نمادها، نمایشگر وجهه روشنفکری آنان باشد؛ این موضوع در خانه طبقه کارگر انگلیسی در اتاق پذیرایی^۵ جلوه‌گر بود. در هر حال بویژه در ابتدای مدرنیسمون آمریکا، ایده‌آل بورژوازی، در فرهنگ آمریکایی کاملاً نفوذ داشت و در الگوی حدّ اقلی و تا حدّی اضطرابی «آپارتمان پارسی» که در نیمه دوم قرن ۱۹ به عنوان راه‌حل کمبود مسکن در نیویورک پیشنهاد شد، حفظ الگوهای تفکیکی این قشر در مساحت حدّ اقل این آپارتمان‌ها، کاملاً مورد نظر بود (Cromley 2007, 106-7).

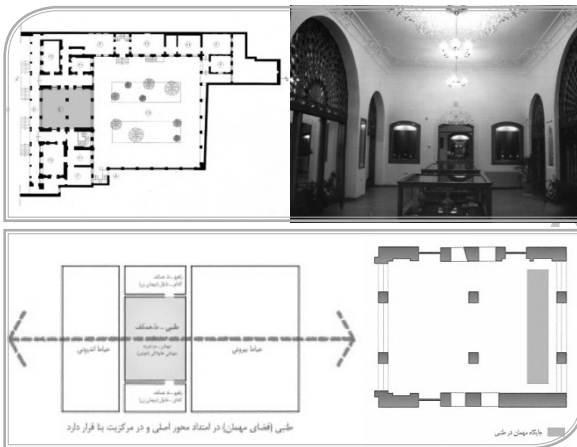
و در نمونه طراحی شده موریس هانت^۶، بنظر می‌رسد حدود نیمی از خانه به فضاهای ویژه مهمان تخصیص داده شده است. انتقادات مدرنیست‌ها (در معماری و نیز جامعه‌شناسی) از اهداف و سبک زندگی بورژوازی در راستای مقاصد که آنان برای جامعه در نظر داشتند، در موضوع حاضر، دقیقاً متوجه همان دو هدفی است که منجر به پیدایش فضاهای مفصل برای مهمان در این سبک زندگی شد: والتر بنیامین در نقد مشهور خود تلاش بورژوا برای ایجاد دکوراسیون داخلی یا داشتن کلکسیون شخصی را نوعی درونگرایی برای تولید «هویت» برمی‌شمرد که «مجازی» بودن و «ساختگی» بودن آن برخلاف روح مدرنیته (از منظر آزادی، شفافیت و اینکه شدن از منظر هگل) است (Benjamin 2002, 35-6).

این امر مستقیماً به کارکرد اجتماعی مهمان در این دوران اروپا یعنی تماشاگر انتخابی برای جلوه‌های هویت جویانه جدید بورژوا، مرتبط می‌شود. لذا وی باید در فضایی با میزبان مواجه شود که برای نمایش هویت ساماندهی شده و پیش از آن و خارج از آن نباید با میزبان و حالات غیررسمی او برخورد کند؛ در نتیجه جدایی فضای مهمان و حریمیت آن، به همان اندازه جلوه‌گری درون این فضا اهمیت می‌یابد. با اینحال این تحلیل ممکن است بر تمام نمونه‌های غرب منطبق نشود؛ چنانکه برخی الگوهای رفتاری آپارتمان‌های پارسی نیویورک در قرن ۱۹ را مجموعاً





تصویر ۱ تا ۸۴. خانه بهنام، طنبی در طبقه همکف در مجاورت دوراها دیده می‌شود. مهمان مرد غربیه و مهمان‌های خودی، خانوادگی در طبقه همکف مستقر بوده‌اند و مهمان زن که میزبان زن خانواده است در کله‌ای استقرار داشته است (کی نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۷۶)



تصویر ۲ تا ۱۲. خانه امیر نظام - قدری از تزیینات در مقایسه با انواع متقدم، کاسته شده است. ارتفاع طنبی نیز در مقایسه با انواع پیشین، کمتر شده و در یک اشکوب اجرا شده است (کی نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۰۳)

براساس توصیفات فوق، و مدارک نمونه‌های خانه بهنام و امیرنظام (تصاویر ۴ تا ۱۲) و نیز با در نظر گرفتن وضعیتی که در تصویر آرشیوی از مرکز مطالعات معاصر ایران از حضور مهمان در فضای مزبور دیده می‌شود (تصویر ۲) و مقایسه آن با همتای ویکتوریایی خود (تصویر ۳)، می‌توان تفاوت‌های ساختاری - اجتماعی بارزی را میان این فضا با فضای پذیرایی بورژوازی اروپایی ملاحظه کرد:

فضای مهمان، همان فضای اصلی زندگی جمعی است و دیالکتیک «خود» و «دیگری» در اینجا کاملاً تضعیف شده است. به این معنا که این فضا در معماری ایرانی، بر خلاف آنچه در دوره

درخانه‌های قاجاری در تبریز، این فضا (طنبی - فضای مهمان) در اکثر خانه‌ها در امتداد محور اصلی ساختمان قرار دارد و اغلب در طبقه همکف مستقر است. معمولاً در جداره‌های داخلی طنبی‌ها از تزیینات و نقاشی‌هایی استفاده می‌شود؛ بدنه‌ها دارای طاقچه‌های فراوانی (نهاز و نخیر) هستند که در نهایت، معماری داخلی این فضا را از یکنواختی کسل‌کننده برهاند. طنبی در هیچ یک از نمونه‌های مورد بررسی، در امتداد محور فرعی بنا نبوده است. طنبی‌های اوایل قاجار دارای تزیینات بیشتر و نقاشی‌های فاخر در جداره‌های داخلی بوده؛ ولی در دوره‌های بعد از کمیت و همچنین کیفیت این تزیینات کاسته شده و این فضاها قری به سادگی می‌گراید (کی نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۱۲-۲۲).



تصویر ۲. چندتن از فرزندان و بستگان ناصرالدین شاه هنگام شرکت در یک مهمانی در منزل میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم امین‌السلطان (مأخذ: عکس‌های تاریخی دوره قاجار [۴۶۴-۱ ع] مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران IICHHS.htm)



تصویر ۳. یک اتاق پذیرایی غذاخوری در یک خانه ویکتوریایی در منچستر - تصویر مربوط به ۱۸۸۰ (مأخذ: Sparke, 2006, 26)

بورژوازی اتفاق می‌افتد، توسط اهالی خانواده، به صورت عادی و در روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنگامی که مهمانی بر خانه وارد می‌شود این اتاق به فضایی برای پذیرایی از وی اختصاص پیدا می‌کند. در معماری قاجاری و بطور کلی در معماری ایرانی، هیچ‌گاه تفکیک فضاها به «خودی» و «غیر خودی» صورت نگرفته است. تفکیک فضای پذیرایی زنان و مردان، برخلاف نمونه اروپایی که بر نمایش جداگانه مردخانه و خانم خانه با ابزارهای شخصی خود، شکل گرفته است، در اینجا تداومی از الگوی زندگی خانواده گسترده سنتی است که در آن، عرصه جمعی زنان از عرصه جمعی مردان (مستقل از حضور مهمان)، تفکیک شده است.

در نمونه بورژوازی، اصالت تفکیک فضا بر «کاربرد» هویت‌سازانه‌ای که هر فضا برای صاحب‌خانه دارد، متکی است و لذا مثلاً اتاق غذاخوری، به مفهوم مکانی است که پیش از حضور مهمان، می‌تواند کاملاً برای نمایشی فوق‌العاده و چشمگیر، آماده شود؛ اما در این نمونه‌ها، تنها قاعده واقعی تفکیک، قاعده «فرهنگ کلی» در مورد «تفکیک محرم و نامحرم» است و جدا از این، تفکیک عملکردی، معنایی ندارد؛ در فضای تالار، ورود، دورهم نشستن، غذاخوردن و در موارد بسیاری^۷، حتی خوابیدن مهمانان نیز همینجا صورت می‌گرفته است.

عناصری که ذیل عنوان تزیین آورده شده، اگرچه بعضاً تجملاتی باشد، خاص و قابل شخصی شدن نیست، بلکه عناصر عام فرهنگ کالبدی (انواع ارسی‌ها، مقرنس‌ها و قطار بندی‌ها) است؛ چیزی شبیه کلکسیون بورژوا، تابلوهای نقاشی شده برای شخص صاحب‌خانه یا اثاثیه سفارشی‌ساز، در اینجا دیده نمی‌شود.

جلوه‌گری و نمایش مورد نظر برای فرد متمول در نمونه‌های قاجاری، بجز عناصر ثابت کالبدی که بدلیل ثبات طولانی، بیشتر هویت نسلی را بیان می‌کند تا هویت شخصی، بیشتر متکی است به خدمات و تغییر دایره‌ای که در طول مهمانی برای مهمان ایجاد می‌کرده و لذا با عناصر متحرک و تغییرپذیر (مجمع‌های پذیرایی) نسبت دارد، در حالیکه نمایشگری بورژوا متکی است بر تداوم کیفیت فضای ایجاد شده با اشیای نیمه‌ثابت که ثبات فضا در طول حضور مهمان، در عین قابلیت تغییر در تحولات دوران عمر صاحب‌خانه، ویژگی آن است که کارکرد هویت‌سازانه آن از تثبیت اثر این صحنه ایستابر ذهن مخاطب ناشی می‌شود.

۲. مسکن حدّاقلی

مهمان در مسکن حدّاقلی ابتدای مدرن در غرب: ظهور مسکن با اندازه

کم، در فصلی از تاریخ غرب، از دو نظرگاه کاملاً متمایز ظهور یافته است؛ یک سمت موضوع مسأله افزایش جمعیت شهری و پاسخ فوری به آن بوده است که حتی از سوی نهادهای سنتی و مذهبی نیز مورد توجه بوده است و الگوی مسکن تک‌اتاقی ساخته کلیسا در آمریکا (YMCA - Groth 2007, 113-114)، در این «خانه» حاضر مهمان بواسطه کمبود جا معضلی اساسی اما قابل حل (مثلاً از طریق اجاره دو یا سه اتاق) بوده است؛ اما در سر دیگر جریان و جایی که اتویست‌های مدرن به موضوع پرداخته‌اند، مسأله، صرفاً اجبار برای داشتن مسکن حدّاقلی نبوده است، بلکه موضوع تغییری هدفمند در ساختار روابط اجتماعی، با کمک معماری بوده است؛ نفی فردیت و ظهور «ما» هدف عمده اجتماعی است که در مدرنیته دنبال شده است و مدرنیست‌ها در معماری نیز به طور ضمنی یا صریح آن را پذیرفتند.

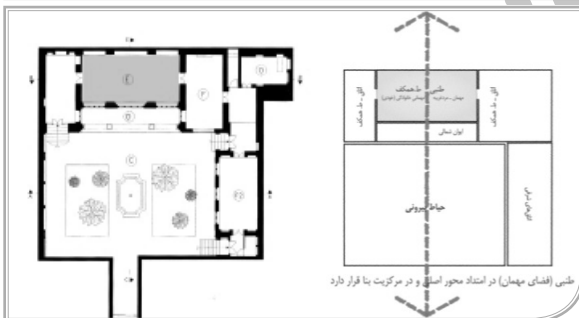
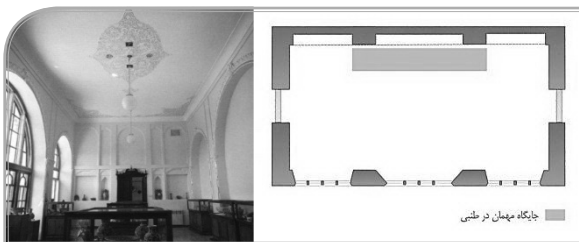
دفاعیه کارل تایگه از مسکن حدّاقلی و نهایتاً از مجتمع‌های مسکونی هتل مانند، با این نگرش شکل گرفته است (Teige 2002, 14-17). این نگرش در کنار کارکردگرایی مدرن که تخصصی شدن فضاها را در شهر و معماری، دنبال می‌کرد، نتیجه‌ای تشدید شده از گفتار فرانسویس بیکن در بالا را دنبال می‌آورد؛ به این معنی که هر امر غیر از خواب و اعمال فردی، از نگهداری کودکان تا پذیرایی از افراد خانواده یا مهمان، نه تنها از قسمت خصوصی خانه جدا می‌شود، بلکه از کل مسکن به خارج از خانه و عرصه عمومی انتقال یابد. در نگرش مسکن حدّاقلی مدرنیست‌ها، صرف خروج از عرصه خصوصی و کنار هم قرار گرفتن افراد در عرصه‌های عمومی، هدف برنامه‌ریزی فضا است و لذا بیشتر درصدد نفی «من» است تا اینکه به چگونگی تشکیل «ما» بپردازد؛

تجلیل لوکوربوزیه از سالن کشتی مسافری در کنار طراحی خانه‌های او که در آن هم تمایز فضایی میان عرصه خصوصی و عمومی درون خانه (عرصه مهمان و فضای خواب شخصی) در حدّاقلی خود است (Le Corbusier 1931, 254-5)، در امتداد تفکر واحدی از نسبت غریبه - خانه قرار دارد: حذف مرزها میان خانه و بیرون، تضعیف مرزهای روابط «اجباری» درون خانواده و همسان کردن مجموع روابط فرد - دیگران (چه این دیگران، عضو خانواده باشند و چه غریبه‌هایی در لابی کشتی) و این در راستای ایده‌آل آزادی عصر مدرنیته معنا می‌یابد.

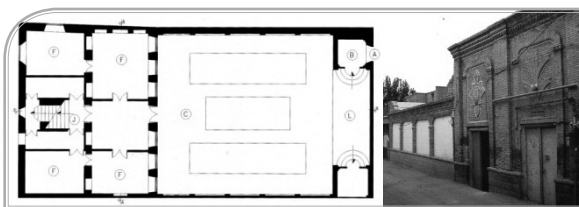
در واقع مدرنیست‌ها با آگاهی کامل از نقش خاص معماری که در سه‌گانه بی‌فوتوان، از آن به نقش تعلیمی معماری تعبیر شده است (Tuan 2007, 78)، در صدد مقابله با این نقش در تثبیت روابط اجتماعی موسوم به سنتی



است و نه تغییر یا کم کردن این فضا. بر این مبنا در نقشه‌ها فضاها نام‌گذاری خاصی ندارند ولی خانوار، خودش فضایی را برای این منظور (حضور مهمان) در نظر می‌گرفته است. و مهمانان را برای پذیرایی بیرون نمی‌بردند؛ در مسکن حداقلی، همواره فضایی - اتاقی نیز در حیاط بیرونی وجود داشته است برای مهمانان غربیه (نامحرمان) که چند شب را به واسطه شغلشان (تجارت) در خانه میزبان سکنی داشتند. در عین حال ردپای ظهور تخصص‌گرایی فضایی مرتبط با مهمان رومی‌توان در مهمان‌خانه‌های مدرن دید که نخستین نمونه‌های آن در تبریز دوره قاجار پدید آمده است (سرداری‌نیا ۱۳۸۱، ۶۹۰). در آگهی نخستین رستوران سبک جدید در تبریز (به تاریخ ماه رمضان ۱۳۲۱ هـ) به مشتریان پیشنهاد شده است که مهمانان خود را که نمی‌توانند در خانه پذیرایی کنند، به رستوران بیاورند (ذکاء ۱۳۷۷، ۳۲۷). اما بنظر می‌رسد که این موضوع، در دوران قاجاریه تبریز از سوی اجتماع چندان پذیرفته نشده است.



تصویر ۱۳ تا ۱۶. خانه علوی - متعلق به دوره متقدم قاجاری (کی نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۹۵-۹۶)



تصویر ۱۷ و ۱۸. خانه صحتی - پلان طبقه همکف (عدم وجود طبقی در این سطح و انتقال آن به طبقه اول) / تصویر سردر ورودی بنا - دید از معبر اصلی (کی نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹، ۲۷-۲۸)

بوده و هستند. اما این امر را ممکن است بتوان تعبیر دیگری از پروژه مدرن در تخصص‌گرایی فضایی دید؛ یعنی تخصّصی شدن کامل هر واحد کالبدی در شهر برای تنها یک عملکرد و تفکیک واحد ترکیبی خانه به چندین ساختمان منفرد مجزا؛ مسکن برای روابط خصوصی زن و شوهر، مهدکودک برای تربیت کودکان و ... مهمانخانه یا رستوران برای پذیرایی از مهمانان. مدرنیسم با پس زمینه‌ای که از معنای خانه به عنوان خوابگاه زن و مرد به همراه دارد، جایی برای مهمان غربیه پیش بینی نمی‌کند. در واقع در شهر منطقه بندی شده مدرن مهمان باید برای ماندن به هتل برود و برای پذیرایی به رستوران و برای گفتگو به کلوب.

مهمان در مسکن حداقلی قاجاری: تفکیک فضاهای خانه به بیرونی و اندرونی از مختصات عالم اسلام بویژه خانه ایرانی است و از بابت وجود آن تمایزی میان خانه‌های بزرگ و کوچک نیست؛ بلکه تفاوت در کیفیت وقوع آن است؛ بعنوان مثال در خانه‌های کوچک ایران، با تخصیص یک اتاق مجاور ورودی یا بالای آن (بروار در بیان مرحوم پیرنیا) به «بیرونی»، محقق می‌شود. اظهارات شفاهی^۱ و نیز منابع مکتوب (مهدوی ۱۳۸۹، ۹-۱۱) در مورد نمونه‌های قاجاری، حاکی از آن است که حتی در این نوع خانه‌ها که از لحاظ توسعه اقتصادی، خانوار وضعیت مناسبی نداشته است با این حال فضایی را به اتاق مهمان اختصاص می‌دادند. نگاه به مکتوبی خطی از دوره قاجار موسوم به «کلثوم ننه» (متعلق به ۱۲۰۹) که حاوی توصیه‌هایی عوامانه برای موضوعات مختلف زندگی (از جمله مهمان و مهمانداری در فصل ۱۴) است، نشانگر آن است که برخلاف تحلیل گافمن در مورد عدم تمایل به اقامت مهمان در خانه حداقلی در فرهنگ ابتدای مدرن غرب، در اینجا ماندن کمتر از سه روز، ناپسند دانسته شده است؛ در واقع مجموع موضوعات مطرح شده در آن، بیانگر محو شدن دیالکتیک «خود» و «دیگری» در این الگو (حتی بیش از نمونه حداکثری) و پیدایش یک الگوی زندگی جمعی با مهمان، در دوره اقامت او در خانه است؛ چنانکه گویی با هم یک خانواده‌اند و البته حفظ حریم محارم، با همان منطقی که در مورد خانه حداکثری قاجاری آمد، در اینجا نیز براساس الگوی خانواده گسترده و نه الگوی خانواده - غربیه، صورت داده می‌شود.

در دو نمونه ارائه شده در تصاویر ۱۳ تا ۱۸ (خانه علوی و صحتی)، موضع مهمان نسبت به نمونه‌های حداکثری، همچنان همان فضای جمعی اصلی خانواده، به شکل تالار و در محور اصلی خانه است و تمایز اصلی، در عدم وجود فضاهای قابل توجه دیگر (بجز فضای مهمان)

۱. مسکن جمعی (اشتراکی):

نیمه اول قرن نوزدهم دوران ظهور اتویپاهای سوسیالیستی در اروپاست که عمدتاً با ارایه اشکال جدید زندگی آرمان خواهانه یا لذت‌جویانه و وعده ساخت جامعه‌ای نوین، افرادی را به خود جذب کردند (پاکزاد ۱۳۸۶، ۴۹-۵۰). حمله به ساختار برخاسته از مذهب خانواده و ارائه الگوهای زندگی اشتراکی، وجه مشترک بسیاری از این جوامع خودخوانده بود که بلحاظ روش، اخلاف اتویپای افلاطونی بودند. این دید مکانیکی یا لذت‌جویانه در نفی خانواده، که در نوشته‌های مارکس، کاملاً تئوریزه شد، در پس زمینه مدرنیسم، همواره حضور خود را حفظ کرد. در این حالت، ایده‌آل آن است که نه تنها تمایزات میان خانواده‌های مختلف و افراد درون آن‌ها از میان برود بلکه دوگانه میزبان مهمان نیز محو گردد؛ اگرچه کارل پوپر در نوشتار ۱۹۴۰ خود، وجود ایده‌آل و اتویپا را مانع «باز» بودن جامعه و پذیرش غریبه‌ها می‌داند (Waithe 2006, ix)، اما سوسیالیستی چون ویلیام موریس در نوشتار اتویپایی خود - «خبرهایی از ناکجاآباد» - موضوع مهمان‌پذیری را در بستری گسترده، یعنی پذیرایی غریبه‌ها در یک جامعه آرمانی، به صورت ایده‌آل مطرح می‌کند و از این مفهوم به عنوان وسیله‌ای برای «آزادسازی» جامعه از قیدهای پیشین و در عین حال حفظ همبستگی جامعه جدید بهره می‌گیرد (ibid 169-170).

این نگرش ناظر به تصور نوع دیگری از رابطه با «غریبه»‌ها است که در آن، ایجاد پیوند اجتماعی با غریبه‌ها بدون تمایز، به صورت ایده‌آل مطرح می‌شود و تعبیری است از «عدالت» اجتماعی مبتنی بر تساوی مطلق که این بار در مورد روابط اجتماعی، اعمال شده است. اگر جامعه تشکیل‌دهنده اتویپا، اقلیتی باشند که هسته جدید را تشکیل داده‌اند، باید «دیگران» را به درون خود بیاورند. در این حالت نیاز به مکان‌هایی است که بدون آنکه در اختیار فرد خاص باشند، امکان تعامل و «میزبانی» را فراهم کنند. اتاق مهمان اشتراکی، راه حل مسکونی و رستوران، لابی هتل، و تمام عرصه‌های «پذیرایی» عمومی، راه‌حل‌های غیرمسکونی این هدف خواهند بود.

این رویکرد مبتنی است بر این نگرش که مطلق استقرار غریبه‌ها در کنار هم منجر به روابط اجتماعی می‌شود و این، همچنان در ادبیات معاصر معماری و شهرسازی بچشم می‌خورد؛ مبحث همپیوندی در نحو فضا، کاملاً با این نگرش منطبق است: «الگوهای حضور مشترک، حتی بدون آنکه به تعامل بیانجامند، منبعی روانشناختی هستند ... الگوهای حضور مشترک و هم‌آگاهی محصولات متمایزی از طراحی فضایی

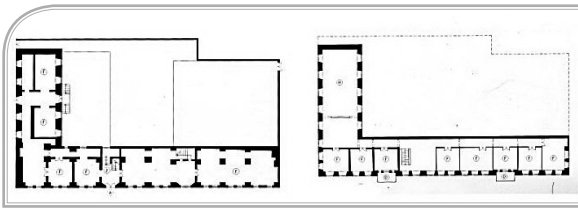
هستند و ... عناصر اولیه آنچه را که «جامعه مجازی» خوانده خواهد شد، تشکیل می‌دهند» (Hillier 2007, 141)؛ کراکوزر در ابتدای قرن بیستم در نقد خود از الگوی اجتماعی لابی هتل، عدم ارتباط اجتماعی بین مهمانان را نوعی منطقی شدن منفی از گونه بورژوازی آن می‌شمرد و در مقابل از حضور مهمان‌گونه افراد در «خانه‌های خدا» به عنوان حضوری برای با هم بودن یاد می‌کند (Kracauer 2002, 51).

اما اگر کل جامعه در وضعیت اتویپایی تصور شود، آنگاه نقش مسکن، دیگر پذیرش «دیگران» نیست، بلکه همانند مسکن حداقل باید در عین تقویت اشتراکات جمع حاضر در مجتمع، آنان را به تعامل با دیگر اعضای جامعه اتویپایی در بیرون مسکن، ترغیب کند و این، چیزی است که در نمونه‌های مسکن اشتراکی شوروی سابق اتفاق افتاد. گزارش اوتخین از آپارتمان‌های اشتراکی دوره شوروی سابق که در آن حتی دستشویی‌ها و حمام‌ها به صورت اشتراکی بود و بخش خصوصی خانه تنها حالت خوابگاه و نشیمن داشت، حاکی از وجود نوعی فرهنگ دارای قواعد کاملاً دقیق میان ساکنان است که هدف آن در ضمن استقرار نظم و عدم بروز اختلاف، تثبیت نظام اشتراکی زندگی نیز هست. وجود قواعد برای هر فرد خارجی و از جمله مهمان در حالتی که وی آشنا به این سیستم نباشد، می‌تواند کاملاً منجر به اغتشاش شود (Utekhin 2007, 417).

مهمان در مسکن اشتراکی قاجاری: در ایران نمونه مسکن اشتراکی غیرمتمکی بر خانواده گسترده، پیش از دوران مدرن، کمتر قابل یافتن است. اما یک گونه دیگر وجود دارد که بر خانواده مبتنی نیست و نسبت بیشتر با خلف مدرن خود دارد. منع شدید شرع اسلامی، مانع از ایجاد نمونه‌های مجردی مسکن جمعی با اختلاط زن و مرد در طول تاریخ شده است و نمونه‌های این مورد کاملاً مردانه است. خانقاه‌ها نمونه مکان‌هایی برای زندگی جمعی موقت بودند که در آن صوفیان دوره‌گرد مدتی مقیم می‌شدند و در آن حین، همانند «مهمان» بودند و هر از گاهی به میزبان نیز تبدیل می‌شدند و برای دیگران خدمات ارائه می‌کردند. چنانکه پیش‌تر نیز گفتیم، مامفورد منشأ چنین الگویی را در غرب، صومعه‌ها می‌داند که غذا در آن در آشپزخانه‌ای واحد برای افراد زیادی پخته می‌شود و البته در شرق نیز، خانقاه‌ها نیز کمابیش خدمات مشابهی را به معتکفین مجرد ارائه می‌کرده‌اند که در دوره عثمانی، توسعه زیادی یافت (نگاه کنید به دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تکیه»). با اینحال مجالس مهمانی صوفیانه (جدا از مجالس شاهانه) از معدود مثال‌هایی است که در آن



اجتماعی در آن دوره ساخته شده باشد. البته اظهارات کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، در مورد تاریخ کاربری این بنا؛ نشان دهنده "خانه" بودن آن از زمان ساخت بنا می‌باشد، این ویژگی نیز مقوم این فرضیه است که بناهای ساخته شده در پهلوی، به طور کامل دچار انحطاط فضایی شده و الگوی سه قسمتی معمول دوره قاجار و محوریت فضای تالار (طنبی) را از دست داده است و ریشه این امر را می‌توان در مدرنیته اجباری پهلوی که بر شیوه معماری و ساخت بنا نیز سایه انداخته، جستجو کرد.



تصویر ۱۹. پلان همکف (سمت راست) و پلان طبقه اول (سمت چپ) از خانه رستگار (کی‌نژاد و شیرازی ۱۳۸۹، ۵۰)

اگر بتوان نمونه قابل مقایسه با مسکن جمعی آورده مدرنیته در دوره قاجاریه تبریز ارائه کرد، آن نمونه، همان مهمانسراها یا هتل هستند که دستکم از سه نمونه مدرن آن در تبریز در منابع یاد شده است: مهمانخانه برادران کلاتر (که در بالا اشاره شد)، مهمانخانه محمدیه و گراند هتل تبریز که مشابه نمونه‌های اروپایی بوده است. شرح آن در دوران بعد در اطلاعیه که در شماره ۷۸ - ۱۷۱ به تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ روزنامه «سهند» چاپ تبریز درج گردیده نشانگر این مدعا است: «شهر تبریز امروز می‌تواند مدعی باشد که دارای هتلی است معادل بهترین هتل‌های ممالک خارجه، اگر در ظرف این مدت کمی که گراند هتل افتتاح یافته است» (به نقل از سرداری نیا ۱۳۸۱، ۶۹۳).

اختلاط غیرمشروع زن و مرد از سوی ناظران خارجی گزارش شده است (لایارد ۱۳۵۲، ۶۲). نمونه‌های مسکن جمعی سنتی در قالب خانقاه در دوره قاجار به حیات خود ادامه دادند:

با توجه به تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان میراث فرهنگی، در تبریز قاجاری، خانقاه‌هایی دایر بوده؛ یکی از مهم‌ترین این اماکن در محله سرخاب و در نزدیکی امامزاده سیدحمزه قرار داشته است. این خانقاه‌ها در ایام خاصی از سال، به صورت شبانه‌روزی دایر بوده است و مهمانانی نیز از سایر شهرهای ایران، برای انجام مناسکی خاص به آنجا رفت و آمد داشته‌اند که به نوعی الگوی مسکن جمعی در آن دوره تاریخی است. طبق شواهد موجود، این بنا و سایر خانقاه‌های تبریز، همزمان با انقلاب فرهنگی تخریب شده و دیگر اثری از آن‌ها در شهر نیست.

اما در مورد معادل‌های مدرن مورد اشاره در بالا وضعیت متفاوت است. نگرش‌های اتوپیایی روشنفکران دوران مشروطه که وامدار غرب بود، تمایلاتی را به سوی مجتمع‌های زیستی تحوّل-جویانه نشان می‌دهد (ستاری سارنقلی ۱۳۹۱، ۵۵ و حبیبی و شکوهی بیدهندی ۱۳۸۸، ۹۳)، اما یافتن نمونه‌هایی در عهد قاجار که حتی به آن‌ها نزدیک هم شده باشد، دشوار است؛ تنها خانه رستگار تبریز (تصویر ۱۲) که به اوایل پهلوی تعلق دارد، با گذشته‌ای نامعلوم ۱۰ تا حدی از منظر روابط فضایی به نمونه اتوپیایی محقق شده روسی در بالا نزدیک است. این خانه، که از سه طبقه تشکیل شده است در ضلع شرقی در طبقه همکف از اتاق‌های متعددی تشکیل شده است که به واسطه یک راهرو به هم دسترسی دارند. در طبقه اول هم این الگو (راهرو و دسترسی به اتاق‌ها) تکرار شده است که با توجه به این الگوی ساخت احتمال آن می‌رود که این بنا، از نوع بناهای مسکن اشتراکی با هدف اسکان

جدول ۲. ویژگی‌های ساختاری فضای مهمان در خانه‌های دوره قاجار در تبریز

دوره زمانی	بناهای شاخص	قرارگیری در امتداد محور اصلی بنا	قرارگیری در سطح عمودی	شیوه دسترسی	ساختار فرمی	تزیینات	ارتفاع
اوایل قاجار	پهنام، گنجه‌ای زاده، سلماسی	*	طبقه همکف	اتاق - طنبی - راهرو - راهرو - راهرو	شکم دریده	تزیینات متنوع در دیوار و سقف، نقاشی دیواری	ارتفاع زیاد (دو اشکوب)
اواسط قاجار	حاج شیخ، علوی، خانه مشروطیت	*	طبقه همکف	اتاق - طنبی - راهرو - راهرو - راهرو	اکثراً مستطیل	تزیینات حداقل، اکثراً فاقد نقاشی دیواری	دو طبقه (حاج شیخ) یک طبقه (علوی، مشروطیت)

عموماً یک طبقه	تزیینات حدافل، اکثراً فاقد نقاشی دیواری	اکثراً مستطیل	اتاق - طنبی - اتاق راهرو - طنبی - راهرو	اکثراً طبقه همکف طبقه اول (خانه شربت‌اوغلی)	*	قدکی، ساوجبلاغی، امیرنظام، شربت‌اوغلی	اواخر قاجار
بدلیل حذف کله‌ای از فضاها، طنبی تنها یک طبقه است	تزیینات بسیار کم، سادگی بیش از حد	مستطیل شکل	اتاق - طنبی - اتاق راهرو - طنبی - راهرو	عموماً طبقه اول (خانه‌های ثقه الاسلام، لاله‌ای و صحتی)	خارج شدن از محوریت، در عین حال قرار داشتن در امتداد محور اصلی	ثقه الاسلام، لاله‌ای، صحتی	پهلوی اول

نتیجه‌گیری:

همسانی فرهنگی دارد و لذا نیروی محرکه درونزای تحوّل اجتماعی مدرن را در این الگوها نمی‌توان یافت.

به تبع آن، الگوهای اتوپیایی جمعی مدرنیته نیز، برغم طرح آن از سوی روشنفکران مشروطه، چندان زمینه‌ای در این متن نیافت و پذیرش بی‌قید و شرط غریبه که اکتشاف جدیدی در اتوپیای مدرن بود، در الگوی سکونت قاجاری، در قالب پذیرش «خودی» مهمان، آنقدر جاافتاده بود که «غیرت‌زدایی» ادعایی مستتر در اتوپیایها، برای آن معنایی نداشت. بنابراین می‌توان تصور کرد که بدون تأثیر حکومت پهلوی اول، استحاله درونزای فرهنگی به معنی تغییر ماهیت سنتی و اسلامی، فرضیه چندان مستحکمی برای تاریخ ایران نیست.

اگر به سؤال ابتدای نوشتار بازگردیم، بررسی فوق نشان می‌دهد که الگوهای حقیقی مدرنیته در مورد خاص حضور مهمان، فاصله زیادی با آنچه در ایران قاجاری واقع شده دارد و تداوم بالاترین سنت در اکثر موارد وجه غالب پدیده‌ها است (رجوع کنید به جدول ۳). در واقع اکنون می‌توان این نظریه را که بدون حضور پهلوی اول، ایران بازم با تحولات درونی خود به سمت مدرنیته سوق می‌یافت، با تردید بیشتری نگرست. در واقع تقابل شدید فرهنگی میان قشر فرادست و فرودست که در بروز دیالکتیک خود - دیگری مدرنیته، نقش اساسی داشته، در فرهنگ عامه قاجاری، مفهوم چندانی ندارد و بررسی دو نمونه مهمان در خانه حدافلی و حداکثری قاجاری و مقایسه آن با الگوهای موازی عصر مدرن، نشان از

جدول ۳. بررسی تطبیقی الگوی حضور مهمان در مدرنیته با الگوی قاجاری

الگوی حضور مهمان در مدرنیته	الگوی حضور مهمان در فرهنگ قاجاری
تخصیص فضا بر حسب موقعیت‌های نمایش مختلف (نمایش (... برای مردان، زنان، قشر روشنفکری و ...))	تلفیق حضور مهمان با فضای زندگی خودی
تاکید بر دیالکتیک خود - دیگری با جداسازی فضای زیست از فضای مهمان	(جدایی بر اساس ساختار فرهنگی زندگی خودی (اصل حریمت
تزیین فضای مهمان با عناصر کاملاً شخصی و غیرقابل استفاده برای مهمان	تزیین فضای زندگی با فضای مهمان با عناصر مشترک بین خود و دیگری
هدف مهمان از خانه با هدف نفی فردیت و ظهور «ما» در عرصه جمعی	تداوم الگویی مسکن حداکثری با کاهش مقیاس در فضاهای درگیر با موضوع
ظهور فضای تخصصی مهمان در عرصه اجتماعی	
توسعه دایره مهمان به تمام غریبه‌ها (پذیرش حداکثری) در وضعیت تحقق اتوپیای مدرن	عدم تحقق اجتماعی الگوی اشتراکی مدرنیته
تقلیل فضای زیست خودی از عرصه شخصی برای ورود به عرصه دیگری	تحقق جزئی الگوی حضور خود در عرصه دیگری (شکل‌گیری اولین (مسافرخانه، هتل

پی‌نوشت:

1. Pit-Rivers

۲. «سپس دایره حق از تو بدیگران رسد که بر تو حق واجب دارند، و واجب‌ترین همه این حقوق بر تو حق پیشوایان تو است و سپس حقوق رعیتت و سپس حقوق خویشانت. این‌ها حقوقی است و حقوقی هم از آن‌ها منشعب گردد» (Ibn Shu'bah al-Harrani, ۱۹۹۷, ۲۵۵).

3. Pierre Chareau

4. Tissot

5. Sunday-best parlor

6. Hunt

۷. مصاحبه انجام شده با افراد مطلع در تبریز بر این امر صحه می‌گذارد؛ اما گزارش مهدوی (۲۰۱۰، ۱۰) از خانه امین‌الضرب در تهران که محل خواب مهمانان را یک وجه مجزا از ساختمان می‌داند، ممکن است یک استثنا باشد.

۸. آقای روشنی، مسئول بازدید خانه‌های قاجاری دانشکده معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

9. News from Nowhere.

۱۰. جستجوها در منابع تاریخی، و نیز از متخصصان میراث فرهنگی و آشنایان به فرهنگ شفاهی در این مورد، نتیجه‌چندانی نداشت.

منابع:

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی. ۱۳۸۲ [قرن ۴ هجری قمری]. *الخصال*. ترجمه: یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۷۶ [قرن ۴ هجری قمری]، *تحف العقول*. ترجمه: محمدباقر کمرهای، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
۳. آلنمن، ایروین. ۱۳۸۲، *محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*. ترجمه: علی نمازیان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. *سیراندیشه‌ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
۵. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)*. چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۶. بیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۴. *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تدوین: غلامحسین معماریان. چاپ دهم. تهران: انتشارات سروش دانش.
۷. جبل عاملی، عبدالله، «خانه‌های اصفهان در دوره معاصر». در مجموعه مقالات نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ج ۴. به کوشش باقر آیت‌آبادی... زاده شیرازی. میراث فرهنگی. تهران: صص ۱۳۶-۹۹.
۸. حبیبی، سید محسن. ۱۳۷۳، «نخستین پژوهش مدرنیته در ایران». در نشریه گفتگو: فروردین ۱۳۷۳. ش ۳. صص ۱۵۲-۱۳۸.
۹. حبیبی، سید محسن. ۱۳۹۱. *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن)*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. حبیبی، سیدمحسن و شکوهی بیدهندی، محمدصالح. ۱۳۸۸. «نوآوری، نوآوری و نوپردازی سال‌های نخستین قرن چهاردهم هـ. ش: میرزاده عشقی، سه تابلو و آرمانشهر». در نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی. ش ۳۸. تابستان ۱۳۸۸. صص ۱۰۳-۹۳.
۱۱. ذکاء، یحیی. ۱۳۷۷، «اسناد و عکس‌های تاریخی: نخستین مهمانخانه و رستوران و قرائت‌خانه به سبک جدید در تبریز و مؤسس آن‌ها»، در بخارا، مرداد ۱۳۷۷، شماره ۱.
۱۲. ستاری ساربانقلی، حسن. ۱۳۹۱. «آرمانشهر در آرای روشنفکران عصر مشروطه ایران». در نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی. دوره ۱۷. ش ۱. بهار ۱۳۹۱. صص ۶۴-۵۵.

۱۳. سرداری نیا، صمد. ۱۳۸۱. تبریز شهر اولین‌ها. کانون فرهنگ و هنر آذربایجان.
۱۴. شریف‌الرضی، محمد بن حسین. ۱۳۷۹ [قرن ۴ و ۵ هجری قمری]. *نهج البلاغه*، ترجمه: قم: دشتی.
۱۵. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۳۸۰ [قرن ۱۲ هجری قمری]. *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام (ترجمه وسائل‌الشیعه)*. ترجمه: محمدعلی فارابی و یعسوب علی کمر. چاپ پنجم. آستان قدس رضوی (علیه‌السلام). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۶. صارمی، علی اکبر و رامرد، محمدتقی. ۱۳۷۶. *ارزش‌های پایدار در معماری ایران*. تهران: میراث فرهنگی.
۱۷. صارمی، علی اکبر. ۱۳۷۴. «مدرنیته و رهاورد‌های آن در معماری و شهرسازی ایران». نشریه گفتگو. ۱۳۷۴. ش ۱۰. صص ۶۹-۵۷.
۱۸. فصیحی، سیمین. ۱۳۸۹. «از خلوت خانه تا عرصه اجتماع رویارویی زنان با «دوگانگی طبیعت و فرهنگ» از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار». در نشریه علمی‌پژوهشی *تاریخ ایران و اسلام*. زمستان ۱۳۸۹. ش ۸. صص ۱۳۸-۱۱۵.
۱۹. قنبری. آیت. ۱۳۷۹. «*ایران و موج اول مدرنیته*». در نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام). زمستان (نیمه دوم) ۱۳۷۹. ش ۱۲. ۱۴۳-۱۱۵.
۲۰. کاتب، فاطمه. ۱۳۸۴. *معماری خانه‌های ایرانی*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲۱. کیانی، مصطفی. ۱۳۸۶. *معماری دوره پهلوی اول*. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۲. کی‌زاد، محمدعلی و شیرازی، محمدرضا. ۱۳۸۹. *خانه‌های قدیمی تبریز*. ج ۱. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. موسسه تألیف. تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۲۳. لایارد. ۱۳۵۲. «*خاطرات لایارد*». ترجمه: مهرباب امیری. در *خاطرات وحید*. آذر ۱۳۵۲. ش ۲۶، ۶۳-۶۰.
۲۴. مامفورد، لوئیز. ۱۳۸۵. *فرهنگ شهرها*. ترجمه: عارف اقوامی. وزارت مسکن و شهرسازی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی مسکن و شهرسازی.
۲۵. مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۷. *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*. ترجمه: فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۶. منفرد، افسانه مدخل «نکیه». در *دانشنامه جهان اسلام*. بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- http://www.encyclopaediaislamica.com/index.php (بازدید ۱۳۹۰/۳/۲۰).
۲۷. مهدوی، شیرین. ۱۳۷۶. «حاج محمدحسن امین‌الضرب: از پیشگامان تجدید ایران». در *ایران‌نامه*. پاییز ۱۳۷۶، ش ۶۰. صص ۶۱۲-۵۹۱.
۲۸. مهدوی، شیرین. ۱۳۸۹. «فرهنگ و زندگی در عصر قاجار: زندگی روزمره در عهد قاجار». ترجمه: رؤیا رضوانی. در *فرهنگ مردم*. پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ش ۳۵ و ۳۶. صص ۲۷-۵.
۲۹. نوربخش، هدیه. ۱۳۸۶. «*عرصه‌ها و نهادهای شهری در تهران عصر مشروطه*». تهران: در گلستان هنر. پاییز ۱۳۸۶، ش ۹. صص ۶۱-۵۲.

References:

- Altman, Irwin. 2003. *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, Crowding*. Translated by: Ali Namazian. Tehran: Markaz chap va Entesharat Daneshgah Shahid Beheshti.
- Benjamin, W. 2002. *Louis-Phillipe, or the Interior in Rethinking Architecture*. edited by: N. Leach. London & Newyork: Routledge, pp.35-36.
- Blackmar, E. 2007. *The social meanings of housing, 1800-1840*. in *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*. edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.108-112.
- Rooshani. 2014. interview with Mr.Roshani: Tour Leader of Traditional Houses of Qajar in Tabriz Islamic Art University (Aug. 2014).
- Cromley, Elizabeth C. 2007. Alone together: *A history of New York's early apartments*. in *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*, edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.105-108.
- Fasihi, Simin. 2010. *Az khalvat khane ta arse ejtema rooyaroyi zanan ba doganegi tabiat va farhang az enghelab mashrootiat ta payan dore ghajar*. Tehran: Nashrieh Tarikh Iran va Islam. Vol. 8.
- Goffman, E. 1959. *The presentation of Self in Everyday Life*. New York: Doubleday Anchor Books.

8. Groth, P. 2007. *YMCAs and other organization boarding house. in Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture.* edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.113-116.
9. Habibi, Seyed Mohsen. 1994. *Nokhostin Pezhvak modernite dar Iran.* Tehran: Nashrieh Goftegou.
10. Habibi, Seyed Mohsen. 2012. *Az shaar ta shahr.* Tehran: University of Tehran.
11. Habibi, Seyed Mohsen. 2009. Shokoochi Bidhendi, Mohammad Saleh. *Novaregi, Noavari va nopardazi salhaye nokhostin gharn 14 hejri shamsi.* Vol. 38. Tehran: Journal of Fine Arts. University of Tehran. pp.93-103.
12. Hillier, Bill. 2007. *Space is the Machine.* Space Syntax.
13. Ibn Babawayh (Al-Shaykh al-Saduq), Mohammad Ibn Ali. 2003. *Al-khisal.* Translated by: Yaghouh Jafari. Qom: Nasim Kosar.
14. Ibn Shu'bah al-Harrani, Hasan Ibn Ali. 1997. *Tuhaf al-uqool.* Translated by: Moahmmad Bagher Kamareyi. Tehran: Ketabchi.
15. Jabal Ameli, Abdullah. *The Houses of Isfahan in Contemporary era: Proceedings of the First Congress of Iranian Architecture and Urbanism.* Tehran: Miras Farhangi.
16. Kerr, R., 2007. *The Gentleman's House. in Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture,* edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.155-163.
17. Kateb, Fatemeh. 2005. *Iranian Architecture of Houses.* Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
18. Kiani, Mustafa. 2007. *Architecture of First Pahlavi's era.* Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies.
19. Keynejad, Mohammad Ali. Shirazi, Mohammad Reza. 2010. *The Traditional Houses of Tabriz.* Tehran: The Iranian Academy of Arts.
20. Kracauer, S. 2002. *The Hotel Lobby in Rethinking Architecture,* edited by: N. Leach. London & Newyork. Routledge. pp.51-57.
21. Kulsum Nanah 1830, [کلثوم ننه] or 1831. Majlis Library, Museum and Document Center. Women's Worlds in Qajar 40. Iran Digital Archive. Middle Eastern Division, Widener Library, Harvard Library.
22. Layard. 1973. *Khaterat-e Layard.* Translated by: Mehrab Amiri. Vol. 26. P 60-63.
23. Le Corbusier. 1931. *Towards a New Architecture,* translated by: Fredrick Etchells. London: Originally published by J.Rodker. Reprint in New york: Dover edition. 1986.
24. Madanipour, Ali. 2008. *Public and Private Spaces of the City.* Translated by: Farshad Nourian. Tehran: Sherkat Pardazesh va Barnamerizi Shahri.
25. Mahdavi, Shirin. 1997. *Haj Mohammad Hasan Amin al-Zarb: az Pishgaman Tajadod dar Iran.* Tehran: Irannameh. Vol. 60. P591-612.
26. Mahdavi, Shirin. 2010. *Farhang va Zendegi dar asr Qajar: Zendegi roozmareh dar ahd Qajar.* Translated by Roya Rezvani. Nashrieh Farhang mardom. Vol. 35. P 5-27.
27. McKeon, M. 2005. *The Secret History of Domesticity: Public, Private, and the Division of Knowledge* (Director's Circle Book). Maryland: The Johns Hopkins University Press.
28. Monfared, Afsaneh. The word "Tekye". Encyclopaedia Islamica Foundation.
29. Mumford, Lewis. 2006. *The Culture of Cities.* Translated by: Aref Aghvami. Tehran: Ministry of Roads and Urban Development. Road, Housing and Urban Development Research Center.
30. Nourbakhsh, Hedieh. 2007. *Arseha va Nahadhaye Shahri dar Tehran Asre Mashrouteh.* Nashrieh Golestan honar. Vol. 9. P 52-61.
31. Olsen, D. J. 2007. *Inside the dwelling: the Viennese Wohnungin in Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture,* edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.117-120.

32. Pakzad, Jahanshah. 2007. *An intellectual history of urbanism (1): From Idealism to Reality*. Tehran: sherkat omran shahrhaye jadid.
33. Payandeh, Abulghasem. 2003. *Nahj al-Fasaha*. Tehran: donyaye danesh.
34. Pirnia, Mohammad Karim. 2005. *Ashnahyi ba memari islami iran*. Tehran: Soroush Danesh.
35. Qanbari, Ayat. 2000. *Iran and The First wave of Modernity*. Tehran: nashrieh oloum Siasi daneshgah Baqer Al-Oloum. Vol. 12. P 115-143.
36. Sarami, Ali Akbar. 1995. *Modernity and its deal in Architecture and Urbanism of Iran*. Tehran: Nashrieh goftogou. Vol. 10. P 57-69.
37. Sardari Nia, Samad. 2002. *Tabriz Shahre Awalinha*. Kanoun Farhang va Honar Azarbayjan.
38. Sattari Sarbanqoli, hasan. 2013. *Armanshahr dar area roshanfekrane asr mashruteye iran*. Vol. 49. Tehran: Journal of Fine Arts. University of Tehran. pp.55-64.
39. Sharif al-Radi, Mohammad Ibn Hossein. 2000. *Nahj al-balagha*. Translated by: dashti. Qom: mashhour.
40. Sheikh al-hur Ameli, Mohammad Ibn Hasan. 2001. *Adabe moasherat az didgah masouman*. Mashhad: Bonyad pajuheshhaye Islami.
41. Sparke, Penny. 2008. *The modern interior*. London: Reaktion Books Ltd.
42. Teige, Karel. 2002. *The minimum dwelling*. Prague: [Originally published as Nejmens'í byt by Václav Petr. 1932], Translated and introduced by Eric Dluhosch. Massachusetts: The MIT Press Cambridge.
43. Troutman A. 2005. *The modernist boudoir and the erotics of space in Negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*. edited by H. Heynen and G. Baydar. United Kingdom: Routledge.
44. Tuan, Yi-Fu. 2007. *Architectural space and awareness. in Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*, edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.77-81.
45. Utekhin, I. 2007. *Filling dwelling place with history: communal apartments in St Petersburg. in Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*. edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge. pp.415-423.
46. Waithe, M. 2006. *William Morris's Utopia of Strangers: Victorian Medievalism and the Ideal of Hospitality*. English Association Studies, D. S. Brewer, Cambridge.
47. URL: <http://iichs.org> (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) ICHS.htm)
48. Zaka, Yahya. 1998. *Asnad va akshaye tarikhi: Nokhostin mehmankhane va restouran be sabke jaded dar Tabriz va moasese anha*. Vol. 1.

